

نقش سازمان بهزیستی در کاهش سوء استفاده جنسی از کودکان در پرتو مفهوم پلیس اداری

وحید قاسمی^۱

سید عسگری حسینی مقدم^۲

جواد حبیبی^۳

چکیده

سازمان بهزیستی کشور، یکی از سازمان‌های حمایتی مهم در میان سازمان‌های اداری کشور است که با انجام وظایف حاکمیتی، تحقق اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را بر عهده دارد. سند تأسیس این سازمان، لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور، مصوب شورای انقلاب است. علاوه بر این قانون که اصلی‌ترین مبنای تشکیل سازمان است و اساساً قانون‌گذار در آن بر وظایف سازمان تصریح کرده است، در برخی دیگر از قوانین مانند قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (مصوب ۱۳۹۹) نیز تکالیفی بر عهده سازمان بهزیستی قرار گرفته است.

یکی از حوزه‌های مهم در حیطه خدمات‌رسانی سازمان بهزیستی، «کودکان» هستند که با توجه به الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، حمایت از این قشر آسیب‌پذیر، از مهم‌ترین وظایف سازمان بهزیستی است. اقدامات سازمان بهزیستی به ویژه در حوزه بزه‌دیدگی کودکان در قالب اقدامات پیش‌گیرانه و در مقام پلیس اداری صورت می‌گیرد.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در فرض اقدام سازمان بهزیستی در مقام پلیس اداری، سوء استفاده جنسی از کودکان و آسیب‌های مربوط به آن کاهش خواهد یافت. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و در گردآوری منابع از روش کتاب‌خانه‌ای استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: پلیس اداری، سوء استفاده جنسی کودکان، سازمان بهزیستی کشور، کنوانسیون حقوق کودک.

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران، Vahidqassemi@gmail.com

۲. دانشیار، گروه الهیات، دانشکده حقوق، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران، (نویسنده مسئول)، dhoseini@gmail.com

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران، j.habibi.vakil@gmail.com

مقدمه

کودکان، یکی از اقشار آسیب‌پذیر و در معرض خطرند و به همین دلیل، نیازمند حمایت‌های ویژه از جانب نظام حقوقی هستند. احتمال این‌که کودکان، مورد بزه‌دیدگی قرار گیرند، احتمال بالایی است و در این فرض، انجام اقدامات پیش‌گیرانه اهمیت زیادی دارد. به همین دلیل، یکی از موضوعاتی که حقوق دانان از دیرباز به آن توجه کرده‌اند، مسئله حقوق کودکان است. کودکان، جزء آسیب‌پذیرترین اقشار اجتماع هستند که در برابر آسیب‌ها نمی‌توانند از خود دفاع کنند. بنا بر این، در اولویت قرار دادن حقوق اولیه و طبیعی کودکان ضروری است.^۱

تحولات سریع برای جلب توجه بیش‌تر جامعه بین‌المللی به حقوق کودک و تصویب اسناد و سازوکارهای مؤثرتر برای حمایت و ارتقای حقوق کودک چشم‌گیر است. نکته در خور تأمل در مورد حقوق کودک، نبود توانایی مساوی کودکان در احقاق حقوق خود در مقایسه با بزرگ‌سالان است.^۲

در سطح بین‌المللی، اعلامیه حقوق کودک در سال ۱۹۵۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید که بنیان کنوانسیون حقوق کودک را پی‌ریزی کرد. هم‌چنین در کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حداقل سن اشتغال کودکان، مباحثی در مورد حقوق کودکان بیان شده است. دو پروتکل اختیاری بر کنوانسیون حقوق کودک در مورد شرکت کودکان در جنگ و دیگری پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، فاحشگی و پورنوگرافی کودکان بر معرفی معیارهای بین‌المللی در زمینه حمایت از اطفال و در پیش گرفتن یک سیاست کیفری افتراقی در خصوص آنان تأکید ورزیده‌اند.^۳ کنوانسیون حقوق کودک، تنها معاهده الزام‌آوری است که دولت‌های عضو را به انطباق قوانین داخلی با مقررات این معاهده متعهد می‌کند. کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۱، کودک را چنین تعریف می‌کند: «منظور

۱. فلکمن، سالازار، «خشونت علیه کودکان، مروری بر اندیشه جهانی و اقدام ملی برای حمایت از کودکان در برابر آسیب»، ترجمه: علی نورمحمدی، فصل‌نامه حقوق بشر، ۱۳۹۰، شماره ۲، ص ۲۷.

۲. میلان، علی‌رضا و الهام عبدی، «تأثیر کار کودک در بزهکاری اطفال»، فصل‌نامه مطالعات علوم اجتماعی، ۱۳۹۵، دوره دوم، شماره ۱، ص ۲۴.

۳. کوشا، جعفر و یاسمن خواجه نوری، «جهانی‌شدن مفهوم طفل در بستر حقوق کیفری»، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه شماره ۲، ۱۳۹۱، ص ۲۵.

از کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر آن که طبق قوانین قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کم‌تر تشخیص داده شود»^۱.

دولت ایران در تاریخ ۱۴ شهریور ۱۳۶۹، کنوانسیون حقوق کودک را امضا و مجلس شورای اسلامی در اسفند ۱۳۷۳، در ماده واحده‌ای، آن را تصویب کرد.^۲ از جمله اقدامات موجود در حقوق داخلی می‌توان به تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (۱۳۹۹) و تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان اشاره کرد. با این وجود، می‌توان گفت که قوانین ایران از نظر یافته‌های جرم‌شناختی، بزه‌دیده‌شناختی و جرم‌انگاری در مقایسه با اسناد بین‌المللی، خلأهایی دارند که تنها با مطالعه تطبیقی اسناد اخیر و مقررات داخلی می‌توان آن‌ها را روشن ساخت و در نتیجه، راهکارهای اصلاحی بهتری برای حمایت از کودکان ارائه داد. در حقوق ایران، برخی سازمان‌های دولتی، سازمان‌های حمایتی هستند که از آن جمله، سازمان بهزیستی، وظیفه حمایت از اقشار خاص از جمله زنان و کودکان را بر عهده دارد.

امروزه سازمان‌های بخش عمومی از تدارکات اجتماعی برای دستیابی به اهداف اجتماعی نظیر به حداقل رساندن بی‌کاری در بلندمدت، بهبود شرایط کار، تشویق به نوآوری، ارائه فرصت‌هایی برای توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط یا محلی و ایجاد بازار پایدار برای کالاها و خدمات بهره می‌برند. سازمان‌های عمومی از تدارکات اجتماعی برای دستیابی به اهداف و سیاست‌های اجتماعی دولت نظیر کاهش فقر، ایجاد اشتغال برای زنان و معلولان، توسعه محلی، کمک به کسب و کارهای کوچک، برقراری عدالت، حفظ محیط زیست و حمایت از گروه‌های خاص استفاده می‌کنند.^۳

بر اساس قوانین و مقرراتی که در دوره‌های مختلف زمانی به تصویب رسیده، وظایف متفاوتی برای سازمان بهزیستی در نظر گرفته شده است. این وظایف هم دارای سویه‌های حمایتی اعم از اقتصادی همانند کمک معیشت و مستمری، کمک مالی، فرهنگی، آموزشی و هم دارای سویه‌های توان‌بخشی

۱. سیفی، آناهیتا، «کودکان و خشونت خانگی با تأکید بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹ و اسناد بین‌المللی»، فصل‌نامه مطالعات جنسیت و خانواده، ۱۳۹۹، سال هشتم، شماره ۲، ص ۱۵۶.

۲. حسینی اکبرنژاد، حوریه، تضمینات دادرسی عادلانه کودکان، تحت نظر: توکل حبیب‌زاده، تهران: پژوهشگاه قوه قضاییه، ۱۳۹۵، ص ۲۵.

۳. صفری دشتکی، محمد و رضا زارع، «طراحی و تبیین مدل تدارکات اجتماعی با هدف کاهش فقر در سازمان‌های حمایتی؛ مفهوم‌پردازی، عوامل مؤثر و پی‌آمدها»، مجله مدیریت دولتی، ۱۳۹۹، دوره دوازدهم، شماره ۲، ص ۲۹۳.

اعم از روانی، پزشکی و اجتماعی است. با این وجود، همه حمایت‌های یادشده، معطوف به چند گروه هدف است که عبارتند از: معلولان، زنان، کودکان، آسیب‌دیدگان روانی و اجتماعی و سالمندان.^۱ بر این اساس، با توجه به سند تأسیس سازمان بهزیستی با عنوان «لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی» و نیز «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان»، وظایف و تکالیفی بر عهده سازمان بهزیستی قرار گرفته است که نشان می‌دهد این سازمان در مقام پلیس اداری، حق ورود در موضوعات مربوط به کودکان را دارد. پرسش اصلی که این پژوهش به دنبال پاسخ به آن است، بررسی نقش سازمان بهزیستی به عنوان یک سازمان دولتی در کاهش سوء استفاده جنسی از کودکان است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اگر این سازمان در مقام پلیس اداری، وظایف خود را به درستی انجام دهد، بزه‌دیدگی اطفال به ویژه در حوزه جرایم جنسی، کاهش محسوس خواهد یافت. روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است و در گردآوری منابع از روش کتاب‌خانه‌ای استفاده شده است.

گفتار اول. مبانی قانونی ایجاد سازمان بهزیستی کشور

سازمان بهزیستی کشور به عنوان سازمانی تخصصی و حرفه‌ای در حوزه ارائه خدمات اجتماعی، نیازمند توجه مستمر به عوامل محیطی مؤثر است. بنا بر این، مدیران ارشد سازمان از سال ۱۳۸۸، برنامه استراتژیک پنج‌ساله اول را به صورت دستوری تهیه و ابلاغ کردند. در سال ۱۳۹۲ نیز برنامه دوم استراتژیک سازمان تهیه و تصویب شد. این برنامه استراتژیک شامل مأموریت، دورنما، ارزش‌ها، نقاط قوت و ضعف، تهدیدها و فرصت‌ها، اهداف، شاخص‌های تحقق اهداف، استراتژی‌های رسیدن به اهداف و برنامه‌های عملیاتی تحقق اهداف بیان شده است.^۲ سند تأسیس و ایجاد سازمان بهزیستی کشور، «لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور» (۱۳۵۹/۳/۲۴)، مصوب شورای انقلاب است. بنا بر این، با توجه به تصویب قانون مربوط به تشکیل سازمان بهزیستی توسط شورای انقلاب، موضوع بهزیستی از موارد بسیار مهم و مورد توجه پس از وقوع انقلاب اسلامی بوده است.

۱. گزارش عملکرد بهزیستی در دولت نهم، ۱۳۸۷، قابل مشاهده در: سایت سازمان بهزیستی کشور، ص ۵.

۲. مصدق راد، علی محمد و همکاران، «چالش‌های تدوین برنامه استراتژیک در سازمان بهزیستی کشور»، مجله دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۹۶، دوره یازدهم، شماره ۵، ص ۵۹.

در خصوص ماهیت حقوقی سازمان بهزیستی با توجه به ماده ۱ لایحه قانونی یادشده باید گفت که سازمان بهزیستی جزء نهادهای حاکمیتی است و از مهم‌ترین سازمان‌های اداری در نظام حقوقی کشور به شمار می‌رود. سازمان بهزیستی، عهده‌دار انجام اعمال حاکمیتی است. تقسیم اعمال دولت به حاکمیتی و تصدی به معیار «نوع عمل و ماهیت وسیله مورد استفاده» صورت گرفته است.^۱ هر گاه دولت برای رسیدن به هدفش از اقتدار خود بهره برده باشد و به وسیله آن، به مردم فرمان دهد و تحکیم کند، آن عمل، حاکمیتی محسوب می‌شود.^۲

تاریخچه سازمان بهزیستی کشور، آکنده است از تجربه انواع ماهیت‌های حقوقی و از مدل اداره به صورت یک وزارت خانه گرفته تا شیوه مدیریت نامتمرکز که رییس آن را وزیر مشاور تعیین می‌کرد، در سابقه این سازمان مشاهده می‌شود. اکنون، در قالب یک مؤسسه دولتی تحت مدیریت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی فعالیت می‌کند و از نظر ساختاری در چارچوب قوه مجریه قرار دارد.^۳

در صدر ماده واحده لایحه قانونی درباره تشکیل سازمان بهزیستی کشور (۱۳۵۹/۳/۲۴)، مصوب شورای انقلاب، هدف از تأسیس سازمان بهزیستی کشور، تحقق مفاد اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی ذکر شده است؛ اصولی که نمایانگر وجهی از دولت هستند که به آن، «دولت رفاه» می‌گویند. دولت رفاه در تقابل با نتایج اندیشه‌های لیبرالیسم کلاسیک، حامی اقتصادی طبقات پایین جامعه است تا مانع از گسترش شکاف بین طبقات شود. ویژگی اصلی این دولت‌ها، ارائه گسترده خدمات عمومی به مردم و تکلیف به بهبود تأمین امکانات اولیه رفاهی برای همگان است که از طریق پرداخت مستمری یا دیگر کمک‌های مالی انجام می‌شود.^۴

دولت رفاه به معنی وجود سیاست‌هایی سنجیده و هوشمندانه در زمینه تأمین دست کم حداقل استاندارد زندگی برای همه و ارتقای برابری در فرصت‌های زندگی است و در آن، هیچ تردیدی در زمینه

۱. واعظی، مجتبی، «معیار عمل حاکمیت در حقوق اداری ایران»، مجله مطالعات حقوقی شیراز، ۱۳۹۴، دوره هفتم، شماره ۲، ص ۲۰۰.

۲. غمامی، مجید، مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود، تهران: دادگستر، ۱۳۷۶، ص ۱۱۵.

۳. آگاه، وحید و مهدی مشک‌فروش، «ارزیابی ادغام نهادهای حمایتی از منظر حقوق موضوعه: سازمان بهزیستی، بنیاد مستضعفان و کمیته امداد امام خمینی (ره)»، فصل‌نامه حقوق اداری، ۱۳۹۸، سال هفتم، شماره ۲۱، ص ۱۱.

۴. پتفت، آریین و احمد مؤمنی‌راد، «سیر تحول نحوه مداخله دولت در اقتصاد از منظر حقوق عمومی، از دولت رفاه تا دولت فراتنظیمی»، فصل‌نامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۳۹۴، شماره ۴۷، ص ۱۸۸.

ضرورت تمرکز تمام توجه همه نهادهای رسمی به تأمین خدمات همگانی وجود ندارد. حمایت‌های مالی از قبیل تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بی‌کاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیر بیمه در اصل ۲۱ و ۲۹ همگی تجلیاتی از دولت رفاه و حمایت‌گرند. البته با توجه به لایحه قانونی پیش‌گفته، سازمان بهزیستی، متولی همه موارد مندرج در اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی نیست، اما هدف از تشکیل و فعالیت آن، تحقق مفاد اصول تجلی دولت رفاه در قانون اساسی ایران است و گفته شد که محور اصلی دولت رفاه، حمایت است.^۱

کودکان، یکی از گروه‌های مورد حمایت سازمان بهزیستی هستند. سازمان بهزیستی، کودک را فردی می‌داند که سن وی کم‌تر از ۱۸ سال تمام است. به کارگیری این تعریف مطابق با معیارهای پذیرفته بین‌المللی نیز هست که در کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک به روشنی منعکس شده و ایران در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱ با تصویب در مجلس به این کنوانسیون پیوسته است. برابر ماده ۱ این کنوانسیون، منظور از کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است.

یکی از وظایف بهزیستی که در صدر ماده واحده تشکیل آن سازمان ذکر شده، تجدید تربیت منحرفان اجتماعی است. تعریف «منحرف اجتماعی»، پاسخ روشنی در قوانین و مقررات ندارد. از این اصطلاح برمی‌آید که اولاً مجرم نیست و ثانیاً تحت تأثیر شرایط اجتماع و محیط پیرامونی به انحراف کشیده شده است. در حال حاضر، در بهزیستی، این عنوان، واژه‌ای بیگانه است، به طوری که در تشکیلات سازمان و در عنوان معاونت‌ها و شرح وظایف، ردی از این مهم نیست. علت این امر، سهل‌انگاری یا نادیده گرفتن این طیف از جامعه نیست، بلکه سازمان، آگاهانه و عامدانه به چنین اقدامی دست زده و برای دوری از برچسب‌زنی به این طیف، از عنوان «آسیب‌دیده اجتماعی» استفاده می‌کند. آسیب‌دیده اجتماعی، فردی است که به تشخیص مراجع صلاحیت‌دار، به دلیل فشارهای شدید اقتصادی و اجتماعی و معضلات روانی یا فقدان مهارت‌های زندگی، ضعف در به‌کارگیری شیوه‌های مقابله‌ای و مانند آن، رفتارش با هنجارهای اجتماعی مغایرت دارد و از مسیر زندگی مناسب خارج شده است.^۲

۱. آگاه و مشک‌فروش، پیشین، ص ۱۱.

۲. فرهنگ تعاریف و مفاهیم استاندارد سازمان بهزیستی، تهران: سازمان بهزیستی، بی تا، ص ۱۴.

در سال ۱۳۸۳، بر اساس قانون ساختار وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، این سازمان به همراه سازمان تأمین اجتماعی و سازمان بیمه خدمات درمانی از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منفک و به زیرمجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ملحق شد.^۱

گفتار دوم. سازمان بهزیستی کشور به مثابه پلیس اداری

با توجه به تکالیف مقرر برای سازمان بهزیستی کشور، در لایحه قانونی تشکیل این سازمان (مصوب شورای انقلاب) و نیز قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹/۳/۲۲)، سازمان بهزیستی به عنوان پلیس اداری عام قابل شناسایی است.

مبحث نخست. مفهوم‌شناسی پلیس اداری

واژه «پلیس» و «ضابط» در فرهنگ‌های واژگان فارسی به معنی فراهم‌آورنده و نگاه‌دارنده آمده است. هم‌چنین واژگان «بایگان، پاسبان، آژان، شرطه، محتسب، شهربان، شهربانی، نظمیه، پلیس، افسر، صاحب‌منصب، مأمور و متصدی» به عنوان برابر آن آمده‌اند. در فرهنگ‌های واژگان نافرسی به معنی مجموعه اقدامات تضمین‌کننده نظم عمومی، مأموران مسئول نظارت بر این اقدامات، مجموعه نیروهای حافظ نظم و هم‌چنین به معنای نیروهای مسئول پیش‌گیری، کشف جرم، حفظ نظم عمومی و سازمان مجری مقررات در یک زمینه خاص آمده است. ضابط یا پلیس در معنای گسترده شامل مجموعه اقداماتی است که مقامات عمومی بر شهروندان تحمیل می‌کنند و در معنای محدود، ضابط یا پلیس شامل عملیاتی است که هدف آن، تأمین آرامش، امنیت و سلامت عمومی به وسیله بعضی اقدامات مناسب است.^۲

پلیس اداری، مربوط به دوره پیش از ارتکاب جرم است. در این راستا، وظیفه پلیس اداری بر پیش‌گیری از بی‌نظمی و نقض مقررات متمرکز است و با اهمیت روزافزون پیش‌گیری، نقش این پلیس نیز در این زمینه افزایش یافته است. وقتی وظیفه پیش‌گفته به صورت مناسب و کامل صورت

۱. گزارش عملکرد بهزیستی در دولت نهم، ص ۸.

۲. استفانی، گاستون و همکاران، آیین دادرسی کیفری (جلد ۱)، ترجمه: حسن دادبان، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷، ص ۴۹۳.

نگیرد و در پی آن نقض گردد، اگر نقض مقررات به معنای نقض مقررات مدون قانون کیفری باشد، پلیس قضایی، جست و جوی مرتکبان و جمع‌آوری ادله را بر عهده خواهد داشت. جداسازی پلیس اداری و قضایی را می‌توان با اشاره به این موارد به گونه روشن‌تری بیان کرد:

۱. صلاحیت پلیس اداری، ناظر به رسیدگی اداری است، ولی صلاحیت پلیس قضایی ناظر به امور قضایی است.
۲. پلیس اداری تحت نظارت اداری است، ولی پلیس قضایی تحت نظارت قضایی است.
۳. وظیفه پلیس اداری، ناظر به پیش‌گیری از نقض و تعرض به قانون است، ولی وظیفه پلیس قضایی تنها ناظر به مداخله پس از نقض قانون است.
۴. پلیس اداری، کارکردی پیش‌گیرانه دارد، ولی پلیس قضایی، کارکردی سرکوب‌گرانه دارد.
۵. معیار اصلی تفکیک، ارتکاب جرم است. اگر جرمی ارتکاب نیافته باشد، موضوعی ارتباطی به پلیس قضایی ندارد. اگر جرمی رخ داده باشد، موضوع ارتباطی به پلیس اداری ندارد. از این رو، تفکیک بین این دو گونه، نهادی ارگانیک نیست، بلکه غایی است.
۶. در موضوع کنترل هویت افراد، هر دو می‌توانند مداخله داشته باشند. اگر این امر، مربوط به حفظ نظم باشد، مربوط به پلیس اداری است و اگر ناظر به جست و جوی مرتکب یک جرم باشد، مربوط به پلیس قضایی خواهد بود.^۱

مبحث دوم. اقدامات سازمان بهزیستی در مقام پلیس اداری در حوزه مربوط به کودکان

بند اول. انجام اقدامات پیش‌گیرانه

اساس و پایه نظریه پلیس اداری مبتنی بر این اندیشه است که فعالیت‌های افراد به خوبی قادر به تأمین نیازها و منافع عمومی است و دولت نباید در این امور مداخله کند، مگر این‌که فعالیت شهروندان به تعدی و تجاوز به نظم عمومی یا حقوق دیگران منجر شود.^۲ از این رو، دولت در کار

۱. مؤذن‌زادگان، حسن‌علی و محمد فرجی، «پیشینه و مبانی تشکیل پلیس قضایی در حقوق ایران»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۳۹۵، دوره هشتم، شماره ۲، ص ۴۵.

۲. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، تهران: سمت، چاپ هفدهم، ۱۳۹۰، ص ۲۲۴.

افراد دخالت مستقیم ندارد و در صورت لزوم، نظامات و مقرراتی را به صورت عام و عینی و یا به صورت انفرادی و موضوعی وضع می‌کند تا فعالیت‌های شهروندان در چارچوب آن انجام پذیرد. به دیگر سخن، دولت یا با مداخله غیر مستقیم، تنها نظاماتی را وضع و بر آن نظارت می‌کند تا شهروندان در چارچوب آن به فعالیت خود ادامه دهند. فعالیت پلیس اداری در پرتوی یک ساختار دولتی و محلی، جنبه پیش‌گیرانه دارد که معمولاً پیش از وقوع جرم و تخلف و در قالب نظامات یا عملیات اداری متجلی می‌گردد.^۱

در این راستا، مقامات پلیس اداری دارای اختیارات و صلاحیت‌های وسیعی همانند اعمال نظارت بر فعالیت‌های شهروندان و گروه‌ها، اعطای انواع مجوزها، حفاظت و حراست از اماکن و شخصیت‌های مهم، انجام امور خدماتی دیگر نظیر صدور گواهی‌نامه و گذرنامه هستند. از این منظر، پلیس اداری، فعالیت امر و نهی و تنظیم مقررات را نشان می‌دهد و هدف آن، هدایت سیاست عمومی دولت برای برقراری تعادل میان نظم عمومی و آزادی‌های شهروندان است.^۲

پلیس اداری عمومی به مجموعه اعمال و اقداماتی اطلاق می‌گردد که برای تأمین اهداف سنتی دولت در پاسداشت نظم عمومی در چارچوب قوانین و مقررات، وظایفی را بر عهده دارند. از این منظر، مقامات پلیس اداری عام نیز به همه مقامات دولتی و محلی تحت سرپرستی قوه مجریه از کارمند ساده گرفته تا رییس جمهوری اطلاق می‌گردد که برای پاسداری از نظم عمومی، فعالیت پلیسی انجام می‌دهند.^۳

پلیس اداری اختصاصی به مجموعه اعمال و اقدامات مقاماتی اطلاق می‌گردد که به موجب قوانین و مقررات خاص به منظور تأمین بخشی از اهداف سنتی دولت در پاسداشت نظم عمومی، عهده‌دار وظایفی هستند. به دیگر سخن، پلیس اداری اختصاصی، تأمین‌کننده نظم و ویژه و انحصاری است، مانند پلیس صید و شکار (وابسته به سازمان حفاظت محیط زیست)، پلیس ساختمان (وابسته به شهرداری)، پلیس اماکن آلوده و غیر بهداشتی (وابسته به وزارت کشور و وزارت بهداشت)، پلیس

۱. امامی، محمد و کورش استوارسنگری، حقوق اداری (جلد ۱)، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۲۲.

۲. رضایی‌زاده، محمدجواد، حقوق اداری (جلد ۱)، تهران: میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص ۲۱۷.

۳. انصاری، باقر، حقوق رسانه، تهران: سمت، ۱۳۸۵، ص ۲۵.

حفظ آثار باستانی (وابسته به وزارت کشور و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، پلیس گمرک (وابسته به وزارت اقتصاد و دارایی)، پلیس راه آهن، پلیس فرودگاه، پلیس مبارزه با مواد مخدر، قاچاق کالا و پلیس راهنمایی و رانندگی که هدف آن، برقراری نظم در رفت و آمد و وسایل نقلیه است.^۱

بر اساس ماده ۶ قانون حمایت از اطفال (۱۳۹۹)، یکی از تکالیف سازمان بهزیستی، «اخذ و جمع‌آوری اطلاعات مربوط به وضعیت‌های مخاطره‌آمیز برای اطفال و نوجوانان و انجام اقدامات لازم برای افزایش آگاهی‌های مردم در این زمینه» است. در این راستا، استفاده از امکانات رسانه‌ای نقشی بسزا دارد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر تکلیف دولت برای رسیدن به اهداف والای انسانی و اسلامی و استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی تأکید شده است.

در بند ۲ اصل سوم قانون اساسی بر «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر در همه زمینه‌ها» تأکید شده است. ماده ۴۴ قانون خط‌مشی، اصول و برنامه‌های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (۱۷ شهریور ۱۳۶۱) نیز یکی از رسالت‌های صدا و سیما را «آموزش عمومی جهت آشنایی مردم با حقوق فردی و اجتماعی، قانون اساسی و قوانین مدنی و جزایی کشور» اعلام کرده است. بنا بر این، قوه قضاییه که مطابق بند اصل ۱۵۶ قانون اساسی به «اقدام مناسب برای پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» موظف شده است، هم‌سو با سیاست‌های ایجابی صدا و سیما و نیز مطبوعات و دیگر رسانه‌ها باید از این ظرفیت‌های قانونی استفاده کند.^۲

بند دوم. اقدامات سازمان بهزیستی به عنوان تأمین امنیت عمومی

مفهوم «امنیت عمومی» در مرکز مفهوم «نظم عمومی» قرار دارد و بیانگر نیازهای امنیتی اعضای جامعه است. حتی لیبرال‌های افراطی نیز دولت را «نگهبان شب» به حساب آورده‌اند. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تأمین امنیت عمومی را وظیفه مقام عمومی می‌داند. در یک

۱. بیاتی، علی، «نظام حقوقی حاکم بر پاسداشت نظم عمومی و تضمین آزادی اجتماعات (با تأکید بر رویکرد دیوان عدالت اداری)»، فصل‌نامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۱۳۹۹، سال دوم، شماره ۲، ص ۷۲.

۲. سرداری، داور و عوض سرداری، «تأثیر رسانه‌ها در پیش‌گیری از وقوع جرم با تأکید بر پیش‌گیری از جرایم کودکان بزهکار»، همایش پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روان‌شناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی، ۱۳۹۵، ص ۲۵.

جامعه دموکراتیک، محدودیت‌هایی که زیر لوای تأمین امنیت عمومی اعمال می‌شود، در حقیقت، در راستای تضمین اجرای حقوق و آزادی‌هاست. بسیاری از قوانین جزایی که خشونت‌هایی علیه تمامیت جسمانی یا اموال را جرم‌انگاری می‌کنند، در حقیقت، به عنصر امنیت عمومی از میان کارکردهای نظم عمومی نظر داشته‌اند. نظم عمومی، وجود این قوانین را برای نافع بودن برای فرد زیان‌دیده از جرم توجیه می‌کند.^۱

یکی از جلوه‌های تأمین امنیت توسط سازمان بهزیستی، حق اعلان جرم است. در ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به این امر اشاره شده است. بر این اساس، سازمان بهزیستی باید «با استفاده از مددکاران اجتماعی در قالب فوریت‌های خدمات اجتماعی با همکاری شهرداری یا دهیاری و نیروی انتظامی نسبت به شناسایی، پذیرش، حمایت، نگهداری و توان‌مندسازی اطفال و نوجوانان موضوع این قانون و اعلام موضوعات به مراجع صالح اقدام کند». در متن ماده، عبارت «اعلام موضوعات به مراجع صالح» به کار رفته است، اما اعلان جرم نیز در این حوزه قرار می‌گیرد. اعلام موضوعات مربوط به کودکان توسط سازمان‌های مردم‌نهاد نیز امکان‌پذیر است. اقدامات سازمان بهزیستی در این خصوص را می‌توان در مفهوم «دوست دادگاه» پذیرفت.

نهاد «دوست دادگاه» در مفهوم نوین، به سازمان‌هایی اطلاق می‌شود که یکی از طرفین دعوا محسوب نمی‌شوند، ولی در نتایج و پی‌آمدهای ناشی از دعوا منفعتی قابل ملاحظه دارند. در مفهوم جدید، «دوست دادگاه»، شخصی است که نماینده نفع گروه‌ها یا سازمان‌هایی است که اهداف و دامنه فعالیت سیاسی و اجتماعی دارند. «دوست دادگاه» سبب گشایش راه ارتباطی میان مردم و نهادهای قانونی می‌شود و این امکان را برای شهروندان فراهم می‌کند تا وارد موضوعات حقوق اساسی شوند.^۲

۱. سرحدی، کاظم و محسن طاهری، «جستاری در اعمال نظارت مطلوب بر انتشار صوت و تصویر در فضای مجازی از منظر حقوقی»، فصل‌نامه حقوق اداری، ۱۳۹۹، شماره ۲۵، ص ۱۴۹.

۲. ابهری، حمید و مهدی فلاح خاریکی، «مطالعه تطبیقی مفهوم و کارکرد دوست دادگاه در حقوق ایران و کامن‌لا»، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۶، شماره ۸۳، ص ۲۸۷.

بند سوم. مشارکت با سازمان‌های دیگر در حوزه حمایت از کودکان

تعریف‌های متعددی از «مشارکت» ارائه شده است. برای نمونه، مشارکت، سهمی در چیزی یافتن و از آن، سود بردن یا در گروهی، شرکت جستن و با آن همکاری داشتن تعریف شده است.^۱ مشارکت، درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزاند تا برای دستیابی به اهداف گروهی، یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. این مفهوم، دربرگیرنده سه جزء یاری دادن، درگیر شدن و مسئولیت است.^۲ بنیادی‌ترین اندیشه که زیربنای مشارکت است، پذیرش اصل برابری مردم است که هدف از آن، هم‌فکری، همکاری و تشریک مساعی افراد برای بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمام زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است.^۳ بر اساس ماده ۱ لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور، یکی از وظایف این سازمان، جلب مشارکت و فعالیت گروه‌های داوطلب و مؤسسات غیر دولتی است. بر اساس ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، سازمان بهزیستی کشور مکلف است «در راستای وظایف قانونی و وظایف مقرر در این قانون از همکاری و مشارکت تمامی دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری استفاده کند».

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های مشارکت سازمان بهزیستی در خصوص اطفال، مشارکت با سازمان‌های مردم‌نهاد است. در سطح بین‌المللی، این اصطلاح برای نخستین بار در قطع‌نامه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در فوریه ۱۹۵۰ به عنوان هر نوع سازمان بین‌المللی به کار رفت که با موافقت دولتی ایجاد نشده باشد. این تعریف نشان می‌دهد که سازمان‌های یادشده، رسالتی فراتر از محدوده محلی، ملی و منطقه‌ای پیدا کرده و جنبه بین‌المللی نیز به خود گرفته‌اند و شاید در آینده‌ای نه چندان دور، شاهد سمن‌هایی با کارکرد جهانی نیز باشیم.^۴

۱. غفاری، غلام‌رضا و محسن نیازی، جامعه‌شناسی مشارکت، تهران: نزدیک، ۱۳۸۶، ص ۲۵.

۲. علوی تبار، محمد، الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور، ۱۳۸۰، ص ۲۵.

۳. محمدی شاه‌بلاغی، فرحناز و همکاران، «عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی در ارتقای سلامت»، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۴۸، ص ۴۸.

۴. سعیدی، محمدرضا، درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیر دولتی، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۳۹.

برخی دیگر نیز این سازمان‌ها را به گروهی مستقل، غیر دولتی، غیر انتفاعی و داوطلبانه از مردم تعریف کرده‌اند که با اهداف مشخص و آشکار پیرامون یک نیاز اجتماعی مشترک گرد هم آمده‌اند.^۱ مطابق ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، مصوب هیئت دولت، سازمان غیر دولتی به تشکل‌هایی اطلاق می‌شود که گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر حکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط تأسیس کرده‌اند و دارای اهداف غیر انتفاعی و غیر سیاسی باشد. در کنار این تعریف، ماده ۲ آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد نیز در مقام تعریف تشکل‌های مردم‌نهاد برآمده و این تشکل‌ها را نهاد غیر سیاسی و غیر انتفاعی تعریف کرده است که با رویکردی اجتماعی توسط جمعی از اشخاص حقیقی به شکل داوطلبانه و با رعایت مفاد این آیین‌نامه در موضوع مشخص، پروانه فعالیت دریافت می‌کنند و به ثبت می‌رسند.^۲

در وهله نخست، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند به عنوان شاکی یا اعلام‌کننده جرم در فرآیند کیفری مشارکت کنند و در این مسیر به عنوان نمایندگان جامعه در برابر جرایم و ناهنجاری‌ها از خود واکنش نشان دهند و با پی‌گیری‌های خود در برقراری امنیت گامی مهم بردارند. افزون بر این، با امکاناتی که در اختیار دارند، می‌توانند نقشی چشم‌گیر در انتشار و پخش اخبار مناسب مربوط به روال رسیدگی و دادگاه‌ها به افکار عمومی و رسانه‌ها داشته باشند. سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند به عنوان حلقه واسط میان شهود و بزه‌دیدگان فعالیت کنند. در این راستا می‌توانند کمک‌هایی به این اشخاص ارائه کنند از جمله این کمک‌ها، انتقال اطلاعات لازم میان بزه‌دیده و شاهد یا آموزش‌های مناسب برای برگزاری جلسات دادگاه‌ها یا دادن اطلاعات در یافتن مشاور حقوقی است.^۳

۱. صادقی، مریم، «سازمان‌های غیر دولتی در نگاه تطبیقی»، مجله ندای صادق، ۱۳۸۴، شماره ۴۰، ص ۹۰.

۲. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، «مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران و فرانسه: از تأسیس تا فعالیت»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۳۹۴، دوره ششم، شماره ۲، ص ۵۵۴.

۳. گلشن، مهدی، «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی کیفری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه کاشان، ۱۳۹۲، ص ۱۷.

گفتار سوم. مصادیق جرایم صورت گرفته نسبت به اطفال و نقش سازمان بهزیستی در اقدامات حمایتی

مبحث نخست. قاچاق جنسی کودکان

قاچاق انسان، پدیده گسترده جهانی است و شاید اساسی ترین گام برای شناخت و جمع آوری اطلاعات در این خصوص، تعریف قاچاق انسان باشد. در بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون اتحادیه آسیای شرقی برای همکاری منطقه ای (سارس) راجع به «پیش گیری و مبارزه با قاچاق زنان و کودکان به قصد روسپی گری» (۲۰۰۲)، تعریفی ارائه شده است که با ماهیت قاچاق جنسی کودکان انطباق بیشتری دارد: «انتقال و خرید و فروش زنان و کودکان در درون و بیرون کشورها برای بهره کشی با استفاده از پول یا دیگر مزایا، اعم از این که با رضایت یا بدون رضایت شخص باشد». کنوانسیون سارس، انتقال و خرید و فروش زنان و کودکان در داخل کشورها را نیز از مصادیق قاچاق انسان می داند. بنا بر این، قاچاق کودکان به قصد بهره کشی جنسی از آنان را می توان به این شرح تعریف کرد: «خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز افراد در سطح بین المللی با توسل به هر شیوه ممکن از قبیل اکراه، تهدید، اجبار، تطمیع یا سوء استفاده از اضطرار اقتصادی قربانی و... بی آن که میزان سوء استفاده یا رضایت بزه دیده، تأثیری در صدق عنوان مجرم بر مرتکب یا مرتکبین آن داشته باشد»^۱.

از این تعریف، ویژگی های جرم قاچاق کودکان استخراج می شود که عبارتند از:

۱. بین المللی بودن جرم؛
۲. سازمان یافته بودن جرم؛
۳. بی اثر بودن رضایت بزه دیده در تحقق عنوان مجرمانه؛
۴. بی اثر بودن میزان سوء استفاده در تحقق عنوان مجرمانه.

در ایران تا قبل از تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان، نظام عدالت کیفری در مورد مبارزه با قاچاق

۱. میریان، سیده سارا، «بردگی جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن در نظام بین المللی حقوق بشر با مطالعه موردی حقوق ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱، ص ۳۴.

اشخاص کاستی داشت. به دنبال تحولات بین‌المللی و ارائه گزارش‌هایی مبنی بر قاچاق زنان و کودکان از ایران به کشورهای همسایه، قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳ به تصویب رسید. این اقدام، خلأ قانونی در این زمینه را رفع کرد، اما تعجیل در تصویب آن موجب شد تا بسیاری از موضوعات مربوط به این جرم مسکوت بماند.^۱

در حال حاضر، در حوزه قاچاق کودکان، دو مقرر قانونی وجود دارد و قانون‌گذار مقرر کرده است با تصویب قانون حمایت از کودکان، تبصره ۲ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق نسخ شود. به نظر عده‌ای از صاحب‌نظران، این دو مقرر قانونی با هم تعارض ندارند و هر دو مقرر لازم‌الاجراست؛ زیرا قانون حمایت از کودکان و نوجوانان - همان طور که گفته شد - به قاچاق کودکان در داخل ایران اختصاص دارد و قانون مبارزه با قاچاق انسان ناظر به قاچاق بین‌المللی است. با این وجود، چون قانون حمایت از کودکان و نوجوانان صرفاً از عنوان «قاچاق کودکان» استفاده کرده است، بدون تعریف قاچاق و چگونگی آن باید برای تعیین و بررسی ارکان جرم قاچاق به قانون مبارزه با قاچاق مراجعه کرد. با توجه به کلی بودن مواد قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (۱۳۹۹) نمی‌توان آن را به قاچاق داخلی محدود کرد.

حمایت از قربانیان لزوماً به تلاش برای بازگرداندن حقوق و توان بخشی دوباره روانی، اجتماعی و اقتصادی ایشان محدود نمی‌گردد، بلکه در مرحله قبل از فراهم شدن زمینه‌های قاچاق می‌توان با راهکارهای دقیق و استفاده از تجربه‌های موجود، به بهترین چهره حمایتی یعنی پیش‌گیری تمسک جست. بهره‌گیری از همکاری سازمان‌های حمایتی دولتی و غیر دولتی داخلی و بین‌المللی را نیز باید در هر گونه برنامه‌ریزی گنجانند. ویژگی‌های جسمی، روانی و آسیب‌های وارد شده به کودکان به لحاظ ضعف جسمی آن‌ها، دوری از خانواده و آموزش در جریان قاچاق و سوء استفاده ایجاد می‌کند تا به طور جداگانه، از نظر حقوق، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، مداخله و آموزش و پرورش بررسی شوند. تمام اقدامات اجرایی و عملی مؤسسات رفاهی، دادگاه‌ها، مراجع اداری و تقنینی و نیز اقدامات سازمان‌های دولتی و غیر دولتی باید متناسب با شخصیت و درجه آسیب با آن‌ها برخورد شود.^۲

۱. حبیب‌زاده، محمدجعفر و حامد رحمانیان، «هرزه‌نگاری در حقوق کیفری ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۹۰، شماره ۷۶، ص ۱۰۰.
۲. السان، مصطفی، «قاچاق زنان و کودکان برای بهره‌کشی جنسی (از منع جهانی تا حمایت از بزه‌دیدگان)»، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، ۱۳۸۸، سال چهارم، شماره ۱۶، ص ۳۴۵.

در این میان، اقدامات سازمان بهزیستی در خصوص قاچاق جنسی کودکان شامل اقدامات پیشینی و پسینی می‌شود. اقدامات پیشینی شامل رویکردهای آموزش محور و پیش‌گیرانه در قالب پلیس اداری است و اقدامات پسینی شامل اقدامات حمایتی در راستای کاهش آثار سوء بزه ارتكابی بر روی کودکان می‌گردد. بر اساس بند «ب» ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، «نیروی انتظامی از طریق پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مکلف است: نسبت به شناسایی اطفال و نوجوانان در وضعیت مخاطره‌آمیز در موارد مراجعه یا معرفی آنان به نیروی انتظامی یا مواجه شدن با آنان در حین اجرای وظیفه و یا شکایت از آنان، حسب مورد برای معرفی به سازمان بهزیستی کشور و یا مراجع قضایی و انجام حمایت‌های مورد نیاز بر اساس این قانون یا سایر قوانین مرتبط اقدام کند» و نیز «وضعیت‌های مخاطره‌آمیز و جرایم علیه اطفال و نوجوانان بزه‌دیده را حسب مورد به مراجع ذی‌صلاح و سازمان بهزیستی کشور گزارش نماید.» بنا بر این، نقش سازمان بهزیستی، حمایت از کودکانی است که در وضعیت مخاطره‌آمیز قرار دارند تا اقدامات پیش‌گیرانه لازم را در پیش گیرد.

مبحث دوم. گردشگری جنسی

ارتباط بین گردشگری و آزار جنسی کودکان نیز مدت‌هاست که به اثبات رسیده است. در همین خصوص، سازمان گردشگری جهانی در سال ۱۹۹۵، بیانیه‌ای در ممنوعیت برگزار کردن تورهای گردشگری جنسی صادر کرد که در آن، چنین عملی این‌گونه تعریف شده است: «سفری که با استفاده از ساختار شبکه‌ای و به قصد ایجاد رابطه جنسی تجاری توسط گردشگرانی است که در کشور مقصد مقیم می‌شوند». در واقع، گردشگری جنسی، جریانی است خلاف قاچاق انسان. در قاچاق انسان، فرد را به منظور سوء استفاده و بهره‌کشی، از کشور خودش به کشور دیگر منتقل می‌کنند، در حالی که در گردشگری جنسی، شخص مشتری، خودش به کشور مورد نظر می‌آید و به اصطلاح، با بلبیتی که می‌خرد، اضافه‌نرخی را برای استفاده از این خدمات هنگام اقامت می‌پردازد.^۱ به این صورت، گردشگری جنسی منجر به گسترش گونه‌ای از قاچاق انسان می‌شود.^۲

۱. رنجبریان، امیرحسین، «اشکال معاصر بردگی، استثمار زنان و کودکان»، گزارش «سمینار ارائه یافته‌های چهار مطالعه»، تهران: مرکز مطالعات حقوق بشر، ۱۳۹۲، ص ۲۰.

۲. علیایی زند، شهین‌دخت، «ازدواج نامناسب؛ بستری زمینه‌ساز برای روسپی‌گری»، مجله رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، ۱۳۹۱، شماره ۵، ص ۱۲۲.

بررسی قوانین کیفری ایران نشان می‌دهد که رفتاری با عنوان گردشگری جنسی کودکان به صورت خاص جرم‌انگاری نشده است. حتی در قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان به مانند جرم قاچاق، اسمی از گردشگری جنسی نیامده، ولی از مواد مختلف این قانون در بیان مصادیق سوء استفاده جنسی نظیر بند ۵ ماده ۱۰ و ماده ۱۱ می‌توان گردشگری جنسی را استنباط کرد. البته بهتر بود با توجه به اهمیت موضوع و تغییرات قانون جدید، جرم‌انگاری به طور صریح صورت می‌گرفت؛ چون در حقوق کیفری، امکان تفسیر موسع نیست.

به نظر می‌رسد بر اساس عمل به تعهدات بین‌المللی ایران به ویژه مواد ۳ و ۴ پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان، قانون‌گذار ایرانی باید به جرم‌انگاری رفتارهای گردشگران جنسی کودکان دست بزند. افزون بر این، جرم‌انگاری گردشگری جنسی کودک نه تنها یک تعهد بین‌المللی حقوق بشری محسوب می‌شود، بلکه به لحاظ ویژگی‌های آرمان‌گرایانه و اخلاقی و اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران، از اهمیت اساسی برخوردار است.^۱

یکی از جنبه‌های مهم دخالت سازمان بهزیستی در مقام پلیس اداری در خصوص موضوع گردشگری جنسی، رعایت و حفظ اخلاق عمومی است. اخلاق عمومی به عنوان یکی از مؤلفه‌های غیر مادی نظم عمومی، مجموعه اصول و ارزش‌های اخلاقی را شامل می‌شود که مورد پذیرش اکثریت افراد یک جامعه است و با اعتقادات و ایدئولوژی حاکم در یک نظام اجتماعی ارتباط تنگاتنگ دارد.^۲ بر این اساس، رفتارهای برهم‌زننده اخلاق عمومی، رفتارهایی را دربرمی‌گیرد که ارزش‌های اخلاقی نهادینه‌شده جامعه را به مخاطره می‌افکند. اخلاق عمومی و عفت عمومی گاهی در یک معنا در نظر گرفته می‌شود، اما باید توجه داشت که عفت عمومی دارای قلمروی محدودتری نسبت به اخلاق عمومی است و بیش‌تر شامل موضوعات مربوط به مسائل جنسی و هتک ناموس می‌شود که وجدان عمومی را جریحه‌دار می‌کند. این در حالی است که اخلاق عمومی، قلمرویی بسیار وسیع‌تر دارد و موضوعاتی مانند اجرای تعهدات، عدالت و انصاف را دربرمی‌گیرد.^۳

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و همکاران، «حمایت کیفری از کودکان در برابر توریسم جنسی از منظر جهانی تا واکنش نظام‌های کیفری داخلی»، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۸، شماره ۵۰، ص ۱۱۶.

۲. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۱۲۵.

۳. بیاتی، پیشین، ص ۷۳.

مبحث سوم. ازدواج‌های اجباری

ازدواج‌های اجباری، در بیش‌تر موارد، بدون رضایت کودک و نوجوان صورت می‌گیرد و حتی اجازه اظهار نظر را ندارند. در مواردی نیز که کودک به ظاهر، رضایت خود را اعلام می‌کند، در بیش‌تر موارد بر اساس خواست دیگران، چه از طریق خشونت‌های جسمی و روحی و چه با فریب دادن کودک صورت می‌گیرد. حتی در مواردی که کودک بر اساس رضایت شخصی، این عمل را انجام می‌دهد، به آن درجه از رشد و بلوغ نرسیده است که بتواند ماهیت ازدواج و شریک زندگی خود را بر اساس تعقل و دوراندیشی انتخاب کند و بیش‌تر تابع احساسات است. در نتیجه، این رضایت نیز نمی‌تواند کامل باشد. ازدواج زودرس، آسیب‌های جسمانی، روانی و ذهنی عمیق به فرد وارد می‌کند و باعث انزوای شخص می‌شود.

در کنوانسیون حقوق کودک، ماده‌ای برای ازدواج‌های زودرس پیش‌بینی نشده است، ولی ازدواج‌های زودرس با مواد زیادی از کنوانسیون مغایرت دارد، از جمله مواد ۳۶-۳۵-۳۴-۲۹-۲۸-۲۴-۱۹-۱۲-۶-۳-۲-۱. ازدواج کودکان در سنین مختلف در ایران به وفور دیده می‌شود و این در حالی است که به دلیل آسیب‌پذیر بودن کودکان و نوجوانان در ازدواج‌های زودهنگام، اسناد بین‌المللی مختلفی بر ممنوعیت این ازدواج‌ها تأکید و دولت‌ها را موظف کرده‌اند که قوانین خود را مطابق با تعهدات بین‌المللی خویش اصلاح کنند یا تغییر دهند.

بنا بر ماده ۱ کنوانسیون تکمیلی «الغای بردگی، تجارت برده و نهادها و اعمال مشابه برده‌برداری» (۱۹۶۵) که ایران هم پذیرفته است، اجبار زن به ازدواج بدون موافقت خود او، بردگی تلقی می‌شود. این ممنوعیت شامل هر نوع نهاد یا اقدامی می‌شود که به واسطه آن، کودک یا نوجوان زیر ۱۸ سال به وسیله یک یا هر دو والدین یا قیم خود، چه در برابر پاداش و چه بدون آن و به منظور بهره‌کشی یا کار، مجبور به ازدواج می‌شود. دولت ایران با قبول و تصویب این پیمان در مجلس پذیرفته است:

۱. کنوانسیون را به عنوان بخشی از قوانین داخلی خود به رسمیت بشناسد و عمل به مندرجات آن را الزامی کند؛

۲. قوانین جاری خود را مطابق این پیمان اصلاح کند؛

۳. حداقل سن مناسب را برای ازدواج تعیین کند.

در کنوانسیون رفع همه تبعیض‌ها علیه زنان آمده است: «نامزدی و تزویج فرزند از نظر قانون قدرت اجرایی ندارد و همه اقدامات ضروری از جمله وضع قانون برای تعیین حداقل سن مناسب برای ازدواج باید به عمل آید و ازدواج در دفاتر رسمی باید ثبت گردد». در این سند، دو نکته اساسی تصریح شده است:

الف) منع تزویج فرزندان: ازدواج، پیوندی است که اراده طرفین در آن دخیل است و ازدواج کودکان به معنای نادیده گرفتن اراده و قصد اوست.

ب) حداقل سن مناسب برای ازدواج: امروزه اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان، حداقل سن ازدواج را به طور طبیعی، سن بلوغ تعیین می‌کنند. آن چه مورد اختلاف است، خود سن بلوغ است که در کشورهای متفاوت متغیر است. بهتر بود که در این کنوانسیون، حداقل سن مناسب برای ازدواج نیز قید شود تا کشورها نتوانند به صورت سلیقه‌ای برای تعیین سن بلوغ عمل کنند.

قانون‌گذار ایران درصدد حمایت از کودکان در برابر ازدواج غیر قانونی با آنان برآمده و البته این جرم‌انگاری فقط برای کودکان مؤنث پیش‌بینی شده است. ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی به عنوان عنصر قانونی این جرم مقرر می‌دارد: «ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی یا قیم ممنوع است. چنان چه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده است، برخلاف مقررات ماده با ۱۰۴۱ قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج نماید، به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد».

مبحث چهارم. هرزه‌نگاری کودکان

هرزه‌نگاری کودکان، شکل جدیدی از بردگی جنسی و یکی از آثار جهانی شدن نیز محسوب می‌شود. استفاده روزافزون از فناوری‌های پیشرفته مانند رایانه، دوربین‌های ویدیویی دستی، ویدیوهای ضابط، ادیت‌های خانگی، سیستم‌های گرافیکی کامپیوتری و اینترنت موجب تسهیل ایجاد و توزیع هرزه‌نگاری کودکان شده و حتی عرضه آن‌ها را نیز ارزان‌تر و در بسیاری از موارد، کشفشان را ناممکن کرده است.

فضای سایبری به ویژه اینترنت نیز تأثیر نامطلوبی بر زندگی کودکان گذاشته و آن‌ها را در معرض تصاویر غیر قانونی هرزه‌نگاری کودکان قرار داده است. امروزه استفاده‌کنندگان از اینترنت، تنها

بزرگ سالان نیستند، بلکه اینترنت نقش عمده‌ای در پر کردن اوقات فراغت کودکان دارد. بنا بر این، باید با مسدود کردن این قبیل سایت‌ها، دست‌یابی کودکان را به آن‌ها محدود کرد.

کمیسیون حقوق بشر نیز در گزارشی در سال ۱۹۹۸، نگرانی خود را از استفاده از تصاویر کودکان به عنوان موضوعات جنسی در تبلیغات برای فروش اجناس ابراز کرده است. عکس‌های کودکان با پوشش‌های نامناسب در کاتالوگ‌های جنسی، منبع بسیار آسانی برای دسترسی سوجدویان به مقاصدشان است. گروه متخصصان اینترپل معتقد است: «هرزه‌نگاری کودک، پی‌آمد بهره‌کشی یا سوء استفاده جنسی از کودک است که می‌تواند به عنوان ابزار تشویق سوء استفاده جنسی از کودک از جمله پرینت یا صوت تمرکز یافته بر عمل جنسی یا اندام جنسی کودکان تعریف شود».

پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک برای فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودک، هرزه‌نگاری را چنین تعریف می‌کند: «هرزه‌نگاری کودکان به معنی نمایش از هر طریق می‌باشد که در آن کودکان یا به صورت واقعی و یا مجازی مشغول فعالیت‌های بارز جنسی باشند و یا آلات تناسلی کودک برای مقاصد جنسی به نمایش گذاشته شود».

ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ به حمایت از کودکان در برابر همه شکل‌های بد رفتاری با بهره‌کشی از جمله سوء استفاده جنسی اختصاص یافته است. این موضوع در ماده ۳۴ این کنوانسیون به تفصیل شرح داده شد و دولت‌های عضو متعهد شدند که از کودکان در برابر همه شکل‌های بهره‌کشی جنسی و سوء استفاده جنسی محافظت کنند. این ماده ضمن تأکید بر جنبه‌های جهانی انواع بهره‌کشی جنسی کودکان، دولت‌ها را مکلف می‌کند که با در پیش گرفتن تدبیرهای مناسب، به اقدامات ملی دوجانبه و چندجانبه دست بزنند تا از سوء استفاده استثمارگرانه از کودکان در نمایش‌ها و تصاویر قبیحه (پورنو) جلوگیری شود.^۱

یکی از مهم‌ترین کنوانسیون‌هایی که در سال‌های اخیر به تصویب رسیده، کنوانسیون بین‌المللی جرایم سایبر (بوداپست، ۲۳ نوامبر ۲۰۰۱) است. کنوانسیون جرایم سایبر، اولین معاهده بین‌المللی در زمینه جرایم ارتکاب یافته از طریق اینترنت و دیگر شبکه‌های رایانه‌ای است که به طور خاص به موضوعاتی نظیر نقض کپی‌رایت، کلاه برداری کامپیوتری، جعل کامپیوتری، پورنوگرافی کودکان و

۱. بیگی، جمال، بزه‌دیدگی کودکان در حقوق ایران، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۹۴، ص ۲۲۳.

امنیت شبکه‌ای می‌پردازد. هدف اصلی این کنوانسیون، دنبال کردن یک سیاست جنایی مشترک با هدف محافظت از جامعه در برابر جرایم سایبر، به طور ویژه از طریق تصویب قوانین مناسب و تحکیم همکاری‌های بین‌المللی است.^۱

تا پیش از قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹)، اصطلاح «هرزه‌نگاری» در قوانین ایران به کار نرفته بود. فقط در چند متن قانونی با عبارت‌هایی مانند «منافی عفت عمومی»، «جریحه‌دار کردن عفت و اخلاق عمومی»، «مبتذل» یا «مستهجن» به آن‌ها اشاره شده بود.^۲ بر اساس ماده ۱۰ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، آثار سمعی و بصری مبتذل، مستهجن و غیر مجاز می‌تواند به صورت نوار، لوح‌های فشرده صوتی و تصویری و دیسکت تهیه شود. انتشار این آثار به وسیله ارتباط‌های الکترونیکی و سایت‌های کامپیوتری یا وسایل و تکنیک‌های مشابه دیگر از مصادیق تکثیر و انتشار است و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهد شد.

این قانون، هم‌راستا با تعهدات ایران به کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل اختیاری آن در زمینه فروش، فحشا و هرزه‌نگاری به حمایت افتراقی کیفری از کودکان پرداخته است که در حال حاضر، مقرر اصلی در حمایت از اطفال و نوجوانان است. بر اساس بند (خ) ماده ۱ قانون یادشده، موضوعات و مضامین مستهجن، هر گونه محتوا اعم از صوتی و تصویری است که به صورت مجازی یا حقیقی، بیانگر برهنگی کامل یا آمیزش، عمل یا اندام جنسی باشد. در بند (د) نیز هرزه‌نگاری کودکان، تهیه و تولید هر اثری است که محتوای آن، بیانگر جذابیت جنسی طفل یا نوجوان مانند برهنگی، آمیزش، عمل جنسی یا اندام جنسی باشد. در بند (ج)، هر گونه محتوا یا تصویری که دارای صحنه یا صور قبیحه باشد، مبتذل شمرده شده است.

قانون‌گذار در بندهای ۶ تا ۹ ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به جرم‌انگاری هرزه‌نگاری پرداخته و در بند ۶ مقرر داشته است که مرتکبین از طریق در دسترس قرار دادن یا ارائه محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل به میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر در قانون مربوط محکوم می‌شوند، هر چند مشخص نکرده که منظور از قانون مربوط چیست.

۱. زینالی، امیرحمزه، «جهانی شدن حقوق کیفری در قلمرو حمایت از کودکان در برابر بزه‌دیدگی و موانع و مقتضیات حقوق ایران»، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۸، ص ۴۳۹.

۲. حبیب‌زاده و رحمانیان، پیشین، ص ۹۲.

چون هدف قانون‌گذار از پیش‌بینی این معافیت در دو متن قانونی دیگر، تفکیک میان مرتکب با حسن نیت و بدون حسن نیت و نیز فراهم آوردن امکان برخورداری جامعه از مصالح علمی و عقلایی احتمالی موجود در هرزه‌نگاری است، باید این معافیت را به قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری، فعالیت‌های غیر مجاز می‌کنند، تسری داد. در غیر این صورت، کسانی که در امور سمعی و بصری فعالیت می‌کنند، نمی‌توانند برای مصارف علمی، چنین آثاری را تهیه کنند. این در حالی است که بسیاری از این آثار که ممکن است دارای مصرف علمی یا عقلایی دیگر باشند، سمعی و بصری هستند.

با توجه به این‌که بخش مهمی از جرایم مربوط به هرزه‌نگاری از طریق فضای مجازی و سایبری رخ می‌دهد، انجام اقدامات آموزشی از سوی سازمان بهزیستی خطاب به کودکان، نوجوانان و نیز والدین آن‌هاست.

نتیجه‌گیری

با نگاهی اجمالی به اسناد حقوق بشری مربوط به کودک درمی‌یابیم که اسناد بین‌المللی با واژه‌ها و عبارت‌های بسیار زیبا و آرمایی، حقوق کودک را احصا و تضمین کرده‌اند. اگر نتوان گفت که از تمامی حقوق کودک حمایت کرده‌اند، می‌توان اذعان داشت که این‌گونه اسناد و در رأس آن، کنوانسیون حقوق کودک، شرایطی را به وجود آورده‌اند که دیگر کودک، نه تنها به صورت یک بزرگ‌سال کوچک قلمداد نمی‌شود، بلکه هر کودک از حقوق انکارناپذیری برخوردار است. تحت تأثیر چنین اسنادی، شمار روزافزونی از دولت‌ها، قوانین کیفری خود را درباره مرتکبان جرایم جنسی علیه کودکان اصلاح می‌کنند، اما گستره این اصلاح از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. این امر باعث تأسیس چارچوب‌های قانونی گوناگون در سطح بین‌المللی شده که افزایش نگرانی در خصوص نقض حقوق بشر و حمایت از کودک در معرض خطر سوء استفاده جنسی را به بار آورده است. در نتیجه، با وجود اسناد بین‌المللی متعدد و متنوع برای مقابله با سوء استفاده جنسی کودکان، نبود تعقیب جزایی و ناکافی بودن همکاری‌های بین‌المللی باعث ایجاد شکافی شده است که کودک را هر چه بیش‌تر در معرض خطر بهره‌کشی قرار می‌دهد.

اعمال تدبیرهای مقرر در حقوق کیفری، در مرحله دوم قرار دارد و در مرحله اول باید به اقدامات پیش‌گیرانه و تدبیرهای اخلاقی توجه کرد که مقامات پلیس اداری انجام می‌دهند. سازمان بهزیستی

کشور به عنوان یک سازمان دولتی حمایتی، متولی حمایت از گروه‌های خاص و آسیب‌پذیر است و یکی از گروه‌های هدف، کودکان و نوجوانانی هستند که در معرض آسیب قرار دارند. بنا بر این، اقدامات سازمان بهزیستی در طیف وسیعی از آموزش گرفته تا پیش‌گیری و نیز رویکردهای حمایتی قابل اعمال است.

اطلاع‌رسانی درباره پدیده سوء استفاده جنسی در ایران بسیار ضعیف است. در حقیقت، در جامعه ما با قبیح شمردن این گونه اعمال، فضایی ایجاد شده است که قوانین به صورت جدی به این موضوع توجه نکنند. در حقیقت، جرایم جدید علیه کودکان و نوجوانان و عناوین مجرمانه مربوط شناسایی نشده است. در قانون مجازات و قانون مدنی، عنوان مجرمانه صریحی درباره سوء استفاده جنسی وجود ندارد و تاکنون در برخورد با چنین مواردی، تنها به عناوین مجرمانه کلی مانند رابطه نامشروع، قوادی و آدم‌ربایی بسنده شده بود. پیشرفت‌های جدید جهانی، زمینه ظهور جرایم جدیدی را به وجود می‌آورد که ناچار از پیش‌بینی آن‌ها در قوانین هستیم. اگر بخواهیم با تکیه بر قوانین موجود و تغییر آن‌ها و ارتباط آن با قوانین و جرایم جدید پیش برویم، شاید شرایط مجازات و پی‌گیری این گونه جرایم فراهم نشود.

پس از جرم‌انگاری رفتارهای آسیب‌زا نسبت به کودک و نوجوان، اعمال ضمانت و اجراهای کیفری شدید، از نظر نوع و میزان در چارچوب سیاست کیفری، برای مرتکبان جرایم علیه کودکان، از مؤثرترین اقدام‌ها به شمار می‌آید. در کنار جرم‌انگاری و کیفرگذاری، پیش‌بینی سازوکار جبران آثار بزه‌دیدگی نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌های حقوقی در راستای حمایت از کودک و جبران آسیب‌های وارد شده به او ضروری است. هر چه گستره سازوکار جبران، فراگیر و متنوع باشد، از آسیب وارد شده در بردگی جنسی کودک کاسته و تا حدی از آسیب‌ها جبران خواهد شد.

بنا بر این، ضروری است که قانون‌گذار از طریق وضع سازوکارهایی در مرحله اول، فرآیند کشف جرم و مطلع شدن دستگاه عدالت کیفری از وقوع جرم علیه کودکان را تسهیل کند تا کودکان بزه‌دیده بتوانند وارد فرآیند دادرسی شوند. در گام‌های بعدی باید با پیش‌بینی قوانینی خاص، نه تنها از آسیب‌پذیری بیش‌تر کودکان در درون فرآیند کیفری پیش‌گیری کند، بلکه با تسریع رسیدگی‌ها و حمایت‌های افتراقی، در راستای پیش‌گیری و کاهش بهره‌کشی از کودکان و ترمیم خسارت‌های وارد شده به این بزه‌دیدگان خاص حرکت کند.

فهرست منابع

۱. کتاب

۱. استفانی، گاستون و همکاران، **آیین دادرسی کیفری (جلد ۱)**، ترجمه: حسن دادبان، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
۲. امامی، محمد و کورش استوارسنگری، **حقوق اداری (جلد ۱)**، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۳. انصاری، باقر، **حقوق رسانه**، تهران: سمت، ۱۳۸۵.
۴. بیگی، جمال، **بزه‌دیدگی کودکان در حقوق ایران**، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۵. حسینی اکبرنژاد، حوریه، **تضمینات دادرسی عادلانه کودکان**، تحت نظر: توکل حبیب‌زاده، تهران: پژوهشگاه قوه قضاییه، ۱۳۹۵.
۶. رضایی‌زاده، محمدجواد، **حقوق اداری (جلد ۱)**، تهران: میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۷. سعیدی، محمدرضا، **درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیر دولتی**، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۸. علوی‌تبار، محمد، **الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها**، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور، ۱۳۸۰.
۹. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۱۰. غفاری، غلام‌رضا و محسن نیازی، **جامعه‌شناسی مشارکت**، تهران: نزدیک، ۱۳۸۶.
۱۱. غمامی، مجید، **مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود**، تهران: دادگستر، ۱۳۷۶.
۱۲. **فرهنگ تعاریف و مفاهیم استاندارد سازمان بهزیستی**، تهران: سازمان بهزیستی، بی تا.
۱۳. **گزارش عملکرد بهزیستی در دولت نهم**، ۱۳۸۷، قابل مشاهده در: سایت سازمان بهزیستی کشور.
۱۴. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، **حقوق اداری**، تهران: سمت، چاپ هفدهم، ۱۳۹۰.

۲. مقاله

۱. ابهری، حمید و مهدی فلاح خاریکی، «مطالعه تطبیقی مفهوم و کارکرد دوست دادگاه در حقوق ایران و کامن‌لا»، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۶، شماره ۸۳.
۲. آگاه، وحید و مهدی مشک‌فروش، «ارزیابی ادغام نهادهای حمایتی از منظر حقوق موضوعه: سازمان بهزیستی، بنیاد مستضعفان و کمیته امداد امام خمینی (ره)»، فصل‌نامه حقوق اداری، ۱۳۹۸، سال هفتم، شماره ۲۱.
۳. بیاتی، علی، «نظام حقوقی حاکم بر پاسداشت نظم عمومی و تضمین آزادی اجتماعات (با تأکید بر رویکرد دیوان عدالت اداری)»، فصل‌نامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۱۳۹۹، سال دوم، شماره ۲.
۴. پتفت، آرین و احمد مؤمنی‌راد، «سیر تحول نحوه مداخله دولت در اقتصاد از منظر حقوق عمومی، از دولت رفاه تا دولت فراتنظیمی»، فصل‌نامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۳۹۴، شماره ۴۷.
۵. حبیب‌زاده، محمدجعفر و حامد رحمانیان، «هرزه‌نگاری در حقوق کیفری ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۹۰، شماره ۷۶.
۶. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، «مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران و فرانسه: از تأسیس تا فعالیت»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۳۹۴، دوره ششم، شماره ۲.
۷. رنجبریان، امیرحسین، «اشکال معاصر بردگی، استثمار زنان و کودکان»، گزارش «سمینار ارائه یافته‌های چهار مطالعه»، تهران: مرکز مطالعات حقوق بشر، ۱۳۹۲.
۸. السان، مصطفی، «قاچاق زنان و کودکان برای بهره‌کشی جنسی (از منع جهانی تا حمایت از بزه‌دیدگان)»، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، ۱۳۸۸، سال چهارم، شماره ۱۶.
۹. سرحدی، کاظم و محسن طاهری، «جستاری در اعمال نظارت مطلوب بر انتشار صوت و تصویر در فضای مجازی از منظر حقوقی»، فصل‌نامه حقوق اداری، ۱۳۹۹، شماره ۲۵.
۱۰. سرداری، داور و عوض سرداری، «تأثیر رسانه‌ها در پیش‌گیری از وقوع جرم با تأکید بر

پیش‌گیری از جرایم کودکان بزهکار»، همایش پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روان‌شناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی، ۱۳۹۵.

۱۱. سیفی، آناهیتا، «کودکان و خشونت خانگی با تأکید بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹ و اسناد بین‌المللی»، فصل‌نامه مطالعات جنسیت و خانواده، ۱۳۹۹، سال هشتم، شماره ۲.

۱۲. صادقی، مریم، «سازمان‌های غیر دولتی در نگاه تطبیقی»، مجله ندای صادق، ۱۳۸۴، شماره ۴۰.

۱۳. صفری دشتکی، محمد و رضا زارع، «طراحی و تبیین مدل تدارکات اجتماعی با هدف کاهش فقر در سازمان‌های حمایتی؛ مفهوم‌پردازی، عوامل مؤثر و پی‌آمدها»، مجله مدیریت دولتی، ۱۳۹۹، دوره دوازدهم، شماره ۲.

۱۴. علیایی زند، شهین‌دخت، «ازدواج نامناسب؛ بستری زمینه‌ساز برای روسپی‌گری»، مجله رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، ۱۳۹۱، شماره ۵، صص ۱۴۲-۱۱۷.

۱۵. فلکمن، سالازار، «خشونت علیه کودکان، مروری بر اندیشه جهانی و اقدام ملی برای حمایت از کودکان در برابر آسیب»، ترجمه: علی نورمحمدی، فصل‌نامه حقوق بشر، ۱۳۹۰، شماره ۲.

۱۶. کوشا، جعفر و یاسمن خواجه نوری، «جهانی‌شدن مفهوم طفل در بستر حقوق کیفری»، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه شماره ۲، ۱۳۹۱.

۱۷. محمدی شاه‌بلاغی، فرحناز و همکاران، «عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی در ارتقای سلامت»، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۴۸.

۱۸. مصدق‌راد، علی‌محمد و همکاران، «چالش‌های تدوین برنامه استراتژیک در سازمان بهزیستی کشور»، مجله دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۹۶، دوره یازدهم، شماره ۵.

۱۹. مؤذن‌زادگان، حسن‌علی و محمد فرجی، «پیشینه و مبانی تشکیل پلیس قضایی در حقوق ایران»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۳۹۵، دوره هشتم، شماره ۲.

۲۰. میلان، علی‌رضا و الهام‌عبدی، «تأثیر کار کودک در بزهکاری اطفال»، فصل‌نامه مطالعات علوم اجتماعی، ۱۳۹۵، دوره دوم، شماره ۱.

۲۱. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین و همکاران، «حمایت کیفری از کودکان در برابر توريسم جنسی از منع جهانی تا واکنش نظام‌های کیفری داخلی»، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۸، شماره ۵۰.

۲۲. نصرتی‌نژاد، فرهاد و حجت شریفی، «اظهار نظر کارشناسی درباره طرح واگذاری خدمات حمایتی به کمیته امداد امام خمینی (ره) و خدمات توان بخشی به سازمان بهزیستی»، دفتر مطالعات اجتماعی، شماره مسلسل: ۱۵۱۵۵، ۱۳۹۵.
۲۳. واعظی، مجتبی، «معیار عمل حاکمیت در حقوق اداری ایران»، مجله مطالعات حقوقی شیراز، ۱۳۹۴، دوره هفتم، شماره ۲.

۳. پایان‌نامه

۱. زینالی، امیرحمزه، «جهانی شدن حقوق کیفری در قلمرو حمایت از کودکان در برابر بزه‌دیدگی و موانع و مقتضیات حقوق ایران»، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۸.
۲. گلشن، مهدی، «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی کیفری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه کاشان، ۱۳۹۲.
۳. میریان، سیده سارا، «بردگی جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن در نظام بین‌المللی حقوق بشر با مطالعه موردی حقوق ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The role of the welfare organization in reducing sexual abuse of children in the light of the concept of administrative police

Vahid Ghasemi¹

Seyyed Asgar Hosseini Moghaddam²

Javad Habibi³

Abstract

The country's welfare organization is one of the important support organizations among the country's administrative organizations, which fulfills the principles 21 and 29 of the Islamic Republic of Iran's constitution by performing its governance duties. The founding document of this organization is a legal bill regarding the establishment of the country's welfare organization approved by the Revolutionary Council. In addition to the aforementioned law, which is the main basis for the formation of the organization, and the duties of the organization are basically specified by the legislator, in some other laws, the welfare organization is also responsible for responsibility, including the approved law on the protection of children and adolescents. It is 2019. One of the important areas in which the welfare organization is obliged to provide services is "children", and considering the accession of the Islamic Republic of Iran to the International Convention on the Rights of the Child, supporting this vulnerable group is one of the most important duties of the welfare organization. . The actions of the welfare organization, especially in the field of child victimization, are carried out in the form of preventive measures and in the capacity of the administrative police. The results of this research show that if the welfare organization acts as an administrative police, sexual abuse of children and related injuries will decrease. The research method in this study is descriptive-analytical, and the library method was used to collect the sources.

Keywords: administrative police, sexual abuse of children, the country's welfare organization, child rights convention.

1. PhD student in criminal law and criminology, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran, vahidqassemi@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Theology, Faculty of Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran, (corresponding author), dhoseini@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Qaimshahr Branch, Islamic Azad University, Qaimshahr, Iran, j.habibi.vakil@gmail.com